

جایگاه حجاب در ساختار آیه ۳۱ سوره نور و پیوند آن با کل سوره^۱

حبیب کارگر^۲
زهرا بهمنی^۳

چکیده

پوشش و حجاب اسلامی یکی از موضوعات مهم قرآنی است که در آیات وحی از آن سخن به میان آمده است. از جمله آیه‌ای که جایگاه حجاب به روشنی در ساختار آن آمده، آیه ۳۱ سوره نور است. پژوهش حاضر می‌کوشد با هدف مشخص کردن ساختار این آیه و پیوند آن با کل سوره، جایگاه حجاب و عفاف در قرآن کریم را تبیین نماید. پرسش اصلی تحقیق این است که آیا آیه ۳۱ سوره نور می‌تواند دارای یک ساختار منسجم باشد و پیوند این ساختار با کل سوره چگونه است. مطالب این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی و بر اساس پرسش‌ها و اهداف تحقیق، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تمامی آیات وحی به منزله نور و چراغی تابان است که انسان را به سرمنزل مقصود هدایت می‌کند و ساختار کل سوره نور اینگونه است. در این سوره گاه یک بخش از ساختار در یک آیه جای می‌گیرد و گاه به قراین لفظی و معنایی، یک بخش از ساختار حذف می‌شود. آیه ۳۱ سوره نور دارای ساختاری چهارگانه است که همین ساختار در کل سوره قابل مشاهده است. بررسی مفاهیم قرآنی در یک ساختار منسجم باعث می‌شود که بیش‌تر با ابعاد اعجاز قرآن آشنا شویم و از دریای بی‌کران مفاهیم سرنوشت‌ساز آن بهره‌بریم.

واژه‌های کلیدی: حجاب، پوشش، آیه ۳۱ سوره نور، ساختار سوره نور.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۳۰

۲. دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان استان قم، پردیس آیت‌الله طالقانی (ره) h.kargar08@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوشهر،

Zahra.bahmani.24@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم معجزه جاوید پیامبر آخر الزمان، حضرت محمد ﷺ و دریای بی پایانی است که غواصان معرفت هیچ‌گاه به پایان آن نخواهند رسید. خداوند، قرآن را با اوصافی چون کریم، مجید و مبین یاد کرده و آیات آن را برای هدایت انسان‌ها نازل کرده است. شاعر، ظاهر زیبا و آراسته قرآن همراه با معانی عمیق آن را حاصل این نتیجه می‌داند که پدیدآورنده آن کسی جز ذات اقدس الهی نیست:

جمع صورت با چنین معنی ژرف نیست ممکن جز سلطان شگرف (مولوی، ۱۳۹۷، ص ۵۶۷)
خداوند برای هدایت انسان به سرمنزل مقصود، از بیان هیچ نکته‌ای در قرآن دریغ نکرده است و می‌فرماید: «مَا فَزَّنَّا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸)؛ ما هیچ چیز در این کتاب، فروگذار نکردیم. از سویی دیگر تمامی اندیشمندان، بزرگان و عارفان جهان اسلام بدین نکته معترفند که علم و معرفت خود را از قرآن گرفته‌اند و تمام علوم جهان در قرآن آمده است. به قول حافظ که می‌فرماید: «هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم» (حافظ، ۱۳۷۲، ص ۲۸۰). «قرآن اساسنامه اسلام و پایه‌گذار ملیت اصیل اسلامی است. این اساسنامه باید شناخته شود، تاریخ آن روشن شود و تحولات آن به دقت مورد شناسایی قرار گیرد» (معرفت، ۱۳۸۴، ص ۲).

از جمله مباحث و موضوعاتی که در قرآن از آن سخن به میان آمده، مسأله حجاب است. این موضوع، علاوه بر کارکردهای شرعی خود، نماد و نشانه زنان مسلمان از دیگر زنان است. خداوند در بیان داستان آفرینش، آن زمان که شیطان حضرت آدم و حوا را فریفت و آن دوازده میوه ممنوعه خوردند و برهنگی‌هایشان بر آنان آشکار شد، می‌فرماید: «وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْنِهَا مِنْ وَّرَقِ الْجَنَّةِ» (اعراف: ۲۲)؛ و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های (درختان) بهشتی بر خود تا آن را بپوشانند. همین عمل حضرت آدم و حوا نشان دهنده فطری بودن نیاز به پوشش در انسان است. آداب لباس و پوشش جایگاه مهمی در شریعت اسلام دارد، چنان‌که از پیامبر خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «برای حضور در میان برادران دینی، لباستان را آراسته و لوازم خود را به اصلاح آرید، به گونه‌ای که در میان مردم مانند خالی نمودار و برجسته باشید؛ زیرا خدا زشتی و زشت‌نمایی را دوست ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱-۱۶۰).

از جمله مهم‌ترین دلایل وجود حجاب در دین اسلام، آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع و ارزش و احترام زن است (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۹۵-۸۴). رعایت حجاب و پوشش اسلامی، راهی به سوی کمال است؛ چراکه با بسیاری از مسائل اخلاقی پیوند خورده و همچنین بسیاری از عبادات بدون رعایت حجاب، ناقص و غیر قابل قبول است. بنابراین حجاب همسو با مسائل اخلاقی و انجام عبادات، انسان را در مسیر رشد و کمال، رهنمون می‌کند. یکی از مهم‌ترین آیه‌هایی که در مورد حجاب نازل شده، آیه ۳۱ سوره نور است. هدف این تحقیق بیان همسویی حجاب با دیگر احکام سوره نور در یک ساختار منسجم است؛ چراکه نگرش ساختاری به سوره‌های قرآن، افق جدیدی در درک و فهم معانی بلند این کتاب آسمانی می‌گشاید و روش‌های تازه‌ای در عرصه قرآن پژوهی و آموزش‌های قرآنی، ارائه می‌کند (خامه‌گر، ۱۳۹۶، ص ۱۷).

بعضی از نویسندگان و به‌ویژه مستشرقان، معتقدند که قرآن دارای یک ساختار منسجم نیست و مطالب مختلف آن به صورت پراکنده در کل قرآن آمده است. به عنوان نمونه آن چه در مورد توحید یا معاد بیان شده، یکجا و در یک فصل خاص نیست، بلکه این موارد به صورت پراکنده در کل قرآن ذکر شده است. عزالدین بن عبدالسلام گفته است که قرآن در طول بیش از بیست سال و در شرایط بسیار متفاوتی نازل شده است و از این رو ممکن نیست آیات آن پیوند و ارتباط داشته باشند (میر، ۱۳۷۷، ص ۱۴). در مقابل این نظریه، گروهی معتقدند که قرآن دارای یک ساختار منسجم و یکپارچه است و نام هر سوره با اهدافی خاص در راستای بیان همین ساختار است و آیات قرآن باید با توجه به همین ساختار، معنا و تفسیر شود. از جمله تفاسیری که به این شیوه عمل کرده‌اند می‌توان تفسیر بیان القرآن از اشرف علی ثنوی، المنار از سید رشید رضا، فی ظلال القرآن از سید قطب، المیزان فی تفسیر القرآن از سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر البنائى للقرآن الکریم از محمود بستانی و تدبر در قرآن از محمد حسین الهی‌زاده را نام برد (ر.ک. خامه‌گر، ۱۳۹۶، ص ۴۵-۶۵).

ساختار مورد نظر در این نوشتار، یک ساختار معنایی و مفهومی است. پی بردن به ساختار معنایی هر سوره، دارای سه مرحله است: «در مرحله اول باید با توجه به میزان پیوستگی لفظی

و معنایی آیات هم جوار، همه آیات سوره سیاق بندی شوند. در مرحله دوم باید سیاق سوره که به گفتار تبدیل شده‌اند، عنوان گذاری شوند و در مرحله سوم باید با توجه به کیفیت ارتباط میان گفتارهای سوره، فصل‌ها و بخش‌های سوره مشخص شوند» (خامه‌گر، ۱۳۹۷، ص ۱۲۲-۱۲۳). در واقع زمانی که تمام الفاظ و آواها همسو و متناسب با معانی جملات، همگی در جهت رسیدن به یک هدف خاص در حرکت باشند، یک ساختار منسجم را به وجود می‌آورند. در سوره‌شناسی و درک ساختاری از آن تلاش بر این است تا استنباط شود که مجموعه آیات یک سوره با کدام هدف در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و پیرامون کدام محور موضوعی در گردش هستند (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۶). مطالب این نوشتار به صورت تطبیقی بررسی شده‌اند و برای اولین بار در این تحقیق ساختار معنایی از یک آیه ارائه شده که با کل سوره در پیوند است. تاکنون کتاب‌ها و مقالات زیادی در زمینه ساختار قرآن کریم به چاپ رسیده است که از جمله آن‌ها می‌توان کتاب‌های تفسیر ساختاری قرآن کریم از محمد خامه‌گر (۱۳۹۷)، سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم) از لسانی فشارکی و مرادی زنجانی (۱۳۹۸) و مقالاتی مانند «بررسی ساختار سوره مائده با رویکرد ساختار درختی»، نوشته آرام و لایقی (۱۳۹۵) و «ساختار شکل‌گیری معنا در سوره کافرون به مثابه اثری ادبی از دیدگاه نظریه ساختارگرایی» از خورشیا و همکاران (۱۳۹۵) نام برد. اما دو تحقیقی که به موضوع این پژوهش نزدیک‌تر است، پایان‌نامه‌ای با موضوع «مبانی و قواعد ساختاری قرآن کریم با تطبیق بر سوره مبارکه نور» نوشته منا محمدی (۱۳۹۷) است که در آن غرض نهایی سوره نور، ترویج عفت و پاک‌دامنی با رعایت احکام الهی بیان شده است و دیگری مقاله‌ای با عنوان «بررسی ساختار سوره نور با محوریت عفت» از احتشامی نیا و فلاح ولیکچال (۱۳۹۷) است که در بیان هدف سوره نور با پایان‌نامه مذکور یکسان است. در پژوهش پیش رو برای اولین بار ساختار آیه به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته و سپس نشان داده شده است که ساختار آیه با ساختار سوره هماهنگ است.

۱. تعریف ساختارگرایی

در نقد جدید، ساختارگرایی بعد از فرمالیسم به وجود آمد. «فرمالیست‌ها معتقد بودند که

شکل، بازتاب محتواست و نقطه تحلیل آنان شکل شعر بود و چون بین اجزا، شکل و محتوا قائل به پیوندی اندام‌وار بودند، در نهایت محتوای شعر را از دل شکل آن بیرون می‌کشیدند» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴). تعریف ساختارگرایی به اختصار به این شرح است: «ساختارگرایی آن نوع رویکردی است که هر پدیده‌ای را به منزله نظامی دلالتگر بررسی می‌کند. نظام‌مندی یعنی تشکیل شدن یک پدیده از اجزایی که در رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر باعث کارکرد هماهنگ آن نظام می‌شوند» (پاینده، ۱۳۹۷، ص ۱۵۶).

هرچند مباحث ساختارگرایی در غرب مطرح شده، اما نباید پنداشت که این مباحث در جهان اسلام بدون پیشینه بوده است. اولین کسی که در جهان اسلام به مباحث ساختارگرایی توجه نشان داده و نظریه‌های ارزشمندی در این زمینه مطرح کرده، عبدالقاهر جرجانی است. او با نوشتن دو کتاب *اسرار البلاغه* و *دلایل الإعجاز*، مباحث بسیار مهمی در علم بلاغت مطرح می‌کند. جرجانی معتقد است برای این که الفاظ معنی دهند، باید به الگوی خاصی از ساخت برسند و چون الفاظ حاملان معنا هستند، بدین ترتیب ساختشان ناگزیر با ساخت معناها مطابقت دارد و آرایش الفاظ در سخن ناگزیر تابع آرایش معانی در ذهن است (ابودیب، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴). باید در نظر داشت که بعضی از مفسران قرآن کریم نیز مباحث ساختارگرایی را از نظر دور نداشته و در تفسیرهای خود سوره‌ها را واحدهای پیوسته دانسته و از ترتیب متداول آیات در سوره‌ها دفاع کرده‌اند (میر، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

۲. ساختار آیه ۳۱ سوره نور

یکی از مهم‌ترین آیه‌هایی که در مورد حجاب نازل شده، آیه ۳۱ سوره نور است که خداوند می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِجُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ

الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ
 مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛

به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیشانشان، یا بردگانشان [کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا راستگار شوید.

این آیه دارای ساختاری چهارگانه به شرح ذیل است:

الف - بیان امر واجب با «قل»: قل در این آیه، همانند آیه ۳۰ سوره نور به معنای امر است و معنای جمله این است که به مؤمنین امر کن که چشم خود را بپوشند (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۵۵). پس اولین بخش از ساختار آیه واجب بودن احکامی است که خداوند در این آیه بیان فرموده است.

ب - بیان احکام فردی: وظایف فردی در این آیه عبارت‌اند از: دیده فرو بستن از نامحرم که مؤمنین باید چشم‌پوشی را از خود چشم شروع کنند و این نکته از عبارت «من ابصارهم» دریافت می‌شود (همان، ص ۱۵۵)، پاک‌دامنی ورزیدن، عدم نمایان کردن زیورهای خود مگر آن چه آشکار است، افکندن روسری بر گردن خویش، عدم نمایان کردن زیورهای خود جز برای محرمان سببی و نسبی و افراد خاص، راه نرفتن به‌گونه‌ای که زینت‌های نهفته آشکار شود. چنان‌که مشاهده می‌شود در این بخش از آیه، وظیفه هر فرد مشخص می‌شود. همچنین باید توجه داشت که تمامی احکام ذکر شده در این آیه، زیرمجموعه بحث عفاف و حجاب است.

پ- بیان احکام اجتماعی: برخی احکام صادر شده در اجتماع و با دیگر افراد معلوم می‌شود. به عبارت دیگر مشخص می‌شود که این دستور واجب با دیگر افراد چه حکمی دارد و احکام اجتماعی آن چگونه است. در ابتدای آیه ۳۱ سوره نور، خداوند امر فرموده که زنان مؤمن دیدگان خود را از حرام فروبندند و پوشش مورد نظر را رعایت کنند. این یک رابطه دوسویه و هماهنگ است که هر فرد در اجتماع باید وظیفه خود را درک کند و بداند با دیگری چگونه برخورد کند. در همین آیه خداوند بیان می‌فرماید که زنان مؤمن زیورهای خود را برای چه کسانی آشکار کنند و آن‌ها را نام می‌برد. این همان بُعد اجتماعی احکام است که وظیفه هر فرد و نحوه برخورد او با دیگران و در اجتماع را مشخص می‌کند.

ت- بیان هدف غایی و نتیجه عمل به احکام: بخش چهارم آیه، عبارت «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور: ۳۱) است که هدف آیه و نتیجه عمل به احکام خداوند را بیان می‌کند. در این عبارت تصریح شده است که هدف از انجام تمامی اعمال و واجبات، بازگشت به سوی خداوند است.

ساختاری که برای آیه ۳۱ سوره نور بیان شد با ساختار کل سوره در پیوند است که در ادامه نوشتار حاضر، به بررسی آن می‌پردازیم. یکی از کلماتی که در این پژوهش اهمیت بسیاری دارد، واژه سوره است که بیانگر ساختار و انسجام محکم آیات به کار گرفته شده در آن است؛ چراکه کلمه سوره به معنای پاره‌ای از کلمات و جمله‌بندی‌هایی است که همه برای ایفای یک غرض ریخته شده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۱۱).

۱.۲. وجوب احکام

در ابتدای سوره نور، خداوند حکم آیات این سوره را که واجب بودن عمل به آن‌هاست، مشخص کرده است: «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا» (نور: ۱)؛ یعنی سوره‌ای که ما عمل به آن را بر تو واجب کردیم (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۱۲). خداوند در هیچ جای قرآن با این صراحت نفرموده است که ما قرآن را نازل کرده و آن را واجب کردیم. نتیجه می‌گیریم که احکام این سوره مبارکه، اجرایی و ضروری است (بهرام‌پور، ۱۳۸۹، ص ۳۵۰).

بر طبق نظریه‌های عرفانی، انسان در این جهان خاکی در پایین‌ترین جایگاه قوس نزولی ایستاده است و باید دوباره به جایگاه اصلی خود بازگردد، به همین دلیل برای قرار گرفتن در قوس صعودی نیاز است که نور و روشنی در پیش راه او قرار گیرد و نتیجه این می‌شود که مؤمنین بعد از ردّ و بازگشت به اسفل سافلین، رفع و تعالی خواهند یافت (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۵۷). در همین ابتدای سوره نور خداوند با عبارت «آیات بینات» به این نکته اشاره کرده است. این آیات با هدف اصلی این سوره که همان قرار گرفتن انسان در مسیر نور و روشنی است، در پیوند است.

با توجه به این که واجب بودن عمل به احکامی که در سوره نور آمده در همان ابتدا با عبارت «فرضناها» مشخص شده، در بسیاری از آیات دیگر این سوره، فعل «فرضنا» و یا مترادفات آن به قرینه حذف شده است. حذف‌های قرآنی نه تنها کوچک‌ترین خللی در بیان مفهوم و معنا ایجاد نمی‌کنند، بلکه با ایجاد قالبی مناسب، معنا را به بهترین شکل و با ظرافتی خاص به مخاطب منتقل می‌کنند که اگر محذوف در کلام ذکر شود، دیگر زیبایی معنای مورد نظر نیز از میان می‌رود (محمود و اصغر شهبازی، ۱۳۹۲، ص ۶۷). حذف، یکی از راه‌های ایجاد ایجاز است. در آیات این سوره با توجه به انسجامی که در آنان وجود دارد، از تکرار فعل خودداری شده است و از روش حذف استفاده شده است. در ابتدای آیات ۳۰، ۳۱ و ۵۴ این سوره، فعل «قل» در همین معنا آمده و بدین ترتیب انسجام وازگانی سوره حفظ شده است. این که در آیه دوم سوره نور، بعضی از مفسرین مراد از «دین الله» را همان حکم خدا گفته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۱۳) و «فضل خدا» را در آیه دهم، همان بیان احکام شرعی و آیات بینات او دانسته‌اند، به دلیل همین انسجام وازگانی است که در این سوره وجود دارد. تکرار افعال امر و نهی در آیات، جزو بخش نخستین ساختار مورد نظر است، مانند: لَا يَأْتُلُ، وَ لِيُعْفُوا وَ لِيُصْفَحُوا، لَا تَدْخُلُوا، يَعْضُوا، يَحْفَظُوا، يَعْضُضْنَ، يَحْفَظْنَ، لَا يُبْدِينَ، لِيَضْرِبْنَ، تُوبُوا، لَا يَضْرِبْنَ، لِيَسْتَغْفِرَ، لَا تُلْهِمَهُمْ، لِيُجْزِيَهُمْ، يُرْجَى، لَمْ يَجْعَلْ، يُرْجَى، يُؤَلَّفَ، سَمِعْنَا (در آیه ۵۲ به معنی پذیرفتن فرمان خداوند)، يُقَلِّبْ، لَا تُفْسِمُوا، أَطِيعُوا اللَّهَ، لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ، لِيَمَكِّنَ، أَقِيمُوا، اتُّوا، لِيَسْتَأْذِنُكُمْ، تُسَلِّمُوا.

۲.۲. احکام فردی

در این بخش از ساختار سوره نور، احکام فردی بیان می‌شود، مانند: صد تازیانه زدن به زن و مرد زناکار (آیه ۲)، هشتاد تازیانه زدن به کسانی که به زنان پاک‌دامن نسبت زنا می‌دهند (نور: ۴)، کسی که رأس و سرمنشأ بهتان باشد، عذابش سخت‌تر خواهد بود (نور: ۱۱)، سرمایه‌داران و توانگران نباید از دادن مال در راه خدا خودداری کنند (آیه ۱۲)، به خانه‌های غیر خود، سرزده نباید وارد شد (نور: ۲۷)، کسانی که موفق به ازدواج نمی‌شوند باید خویشان داری کنند (نور: ۳۶). این‌ها نمونه‌هایی از احکام فردی است که در سوره نور وجود دارد و جزو بخش دوم ساختار سوره است.

در بخش احکام فردی نیز انسجام واژگانی خاصی در سوره وجود دارد؛ هدف اصلی از «اذن» هنگام وارد شدن در خانه‌های غیر که در آیه ۲۷ بیان شده، پوشاندن عورات مردم و حفظ احترام ایمان است که در حقیقت فرد را در پوشاندن آن چه باید بپوشاند کمک کرده و نسبت به خود ایمنی داده است (همان، ص ۱۵۳). هدف اصلی از اجازه گرفتن که در آیه ۲۸ آمده برای این است که کسی به عورات و اسرار داخلی مردم نظر نیندازد (همان، ص ۱۵۴). در آیه ۵۸ نیز یکی از دلایل اجازه گرفتن به دلیل «وضع ثیاب» است که چه بسا میل نداشته باشند، بیگانگان در آن حال ایشان را ببینند (همان، ص ۲۲۶). همچنین به دلیل همین انسجام واژگانی است که «یحفظوا فروجهم» در آیه ۳۱ را باید پوشاندن آن از نظر نامحرمان معنی کنیم نه حفظ آن از زنا و لواط که بعضی از مفسران و صاحب نظران پنداشته‌اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «تمامی آیاتی که در قرآن درباره حفظ فروج هست به معنای حفظ از زنا است؛ به غیر از این آیه که منظور در آن حفظ از نظر است». همچنین عبارت «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» زنان را از آشکار کردن زینت‌های خود نهی کرده است، اما این که مراد از زینت زنان در این جا چیست؟ چندین دیدگاه وجود دارد: برخی مفسران معتقدند که مواضع زینت است، با این استدلال که اظهار خود زینت از قبیل گوشواره و دستبند حرام نیست، پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آن‌ها است (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۱۱). بعضی دیگر از مفسران مراد را خود زینت می‌دانند، اما نه زینت آلات به تنهایی، بلکه زینتی که روی بدن قرار گرفته باشد

و طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۳۹).

۳.۲. احکام اجتماعی

این بخش مربوط به احکام الهی در اجتماع است که حکم هر فرد با افراد دیگر مشخص می‌شود؛ زنان پلید برای مردان پلید و زنان پاک برای مردان پاک هستند (نور: ۲۸)، هنگام وارد شدن به خانه هر فرد باید اجازه گرفت (آیه ۲۸)، مردان و هم زنان مؤمن باید چشم از نامحرم فروبندند (نور: ۳۰ و ۳۱)، بیان حد پوشش و نحوه ارتباط با محرم و نامحرم (نور: ۳۱)، بردگان و کسانی که به سن بلوغ نرسیده‌اند باید در سه وقت اجازه بگیرند (نور: ۵۸). حکم خوردن از خانه‌های دیگران (نور: ۶۱)، کسب اجازه از پیامبر ﷺ هنگام گردهمایی (نور: ۶۱) و چگونه صدا زدن پیامبر ﷺ در جمع (نور: ۶۳).

۴.۲. بیان هدف غایی و نتیجه عمل به احکام

هدف اصلی از نازل شدن احکام و لزوم انجام آن توسط فرد و اجتماع، قرار گرفتن در مسیر روشنی است که رو به سوی پروردگار دارد و باعث تقرب به او می‌شود. در این بخش از ساختار سوره، خداوند به نام‌ها و صفات خود اشاره می‌کند که به طور معمول در پایان هر آیه می‌آید. نباید گمان برد که نام سوره نور تنها به دلیل وجود آیه ۳۵ این سوره است که در آن خداوند، نور آسمان‌ها و زمین معرفی شده است؛ بلکه دلیل اصلی نام‌گذاری سوره این است که تمام احکام خداوند به منزله نشانه‌ها و راه روشنی است که انسان را به سمت خدا که نور آسمان‌ها و زمین است، هدایت می‌کند. این آیه بخش چهارم و نهایی ساختار چهارگانه سوره است که می‌توان آن را قلب این سوره نامید:

﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ (نور: ۴۰)؛ یا همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که موج آن را

پوشاننده و بر فراز آن موج دیگری و بر فراز آن ابری تاریک است؛ ظلمت هایی است یکی بر فراز دیگری، آن گونه که هرگاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده، نوری برای او نیست. نکته مهمی که در این جا باید به آن اشاره شود این است که خداوند در همین سوره، برای آشکار شدن بیشتر مطلب، نقطه مقابل نور را که همان ظلمت و تاریکی باشد، یادآوری کرده است. پس نتیجه عمل به آیات روشن خداوند، خارج شدن از تاریکی و رسیدن به نور است، چنان که در سوره ای دیگر نیز به این مطلب اشاره شده است: ﴿هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (حدید: ۹)؛ او کسی است که آیات روشنی بر بنده اش (-محمد) نازل می کند تا شما را از تاریکی ها به سوی نور برد و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم است.

بعضی از پژوهشگران هدف نهایی سوره نور را رعایت عفاف و پاک دامنی دانسته اند، اما باید بیان کرد که هدف بالاتری در این سوره وجود دارد. در واقع رعایت عفاف و پاک دامنی برای رسیدن به خداست که نور آسمان ها و زمین است. بنابراین هدف غایی این سوره با نام سوره پیوندی ناگسستنی دارد. در ادامه به مواردی که با بخش چهارم ساختار سوره در پیوند است، اشاره می شود: اَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (نور: ۱۰)، اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (نور: ۱۸)، اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (نور: ۲۱)، اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نور: ۲۲)، اَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (نور: ۲۵)، لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ (نور: ۲۶)، اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (نور: ۲۸)، اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ (نور: ۲۹)، اِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (نور: ۳۰)، وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور: ۳۲)، فَاِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ اِكْرَاهِيْنَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نور: ۳۳)، وَ اللَّهُ يَزِيْزُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (نور: ۳۸)، وَ اِلَى اللَّهِ الْمَصِيْرُ (نور: ۴۲)، اِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (نور: ۴۵)، اللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (نور: ۴۶)، اُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (نور: ۵۱)، تَهْتَدُوا (نور: ۵۴).

نتیجه گیری

با بررسی جایگاه حجاب در ساختار سوره نور مشخص می شود که خواست خداوند از رعایت پوشش اسلامی تنها یک وظیفه فردی نبوده، بلکه اسلام مصلحت اجتماعی را نیز مد

نظر قرار داده و وظایف هر فرد در اجتماع را مشخص می‌کند. اما این نکته، هدف غایی و نهایی انجام تکالیف الهی نیست، بلکه رعایت واجبات فردی و عمل به آداب و مسائل اجتماعی برای رسیدن به هدف دیگری است که همان رو کردن به سوی خداوند بلندمرتبه است که با نام سوره به طور کامل هماهنگ است.

شناخت جایگاه حجاب در ساختار آیه ۳۱ سوره نور نه تنها ما را به اهمیت حجاب و پیوند آن با بسیاری از احکام در دین اسلام واقف می‌کند، بلکه درک تازه‌ای از هنرنمایی و شیوه بیان احکام شرعی در قرآن را ایجاد می‌کند. پوشش اسلامی هماهنگ با تمام احکامی است که در سوره نور وجود دارد و از این نظر یک انسجام واژگانی خاص در سوره نور وجود دارد. بررسی ساختار معنایی آیه ۳۱ سوره نور ما را متوجه جلوه‌ای خاص از هنرهای قرآن، برای بیان احکام شرعی می‌سازد که این ساختار در شکلی وسیع‌تر در کل سوره نور وجود دارد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰.
۱. ابودیوب، کمال. صور خیال در نظریه جرجانی، ترجمه فرزانه سجودی و فرهاد ساسانی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات هنری، ۱۳۸۴.
 ۲. بهرام پور، ابوالفضل. تفسیر یک جلدی متین، چاپ ششم، قم: انتشارات آوای قرآن، ۱۳۸۹.
 ۳. پاینده، حسین، گفتمان نقد: مقالاتی در نقد ادبی. چاپ اول، تهران: روزنگار، ۱۳۸۲.
 ۴. نظریه و نقد ادبی، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۹۷.
 ۵. جوادی آملی، عبدالله. مفاتیح الحیاه، چاپ یکصد و سی و نه، قم: اسراء، ۱۳۹۲.
 ۶. حافظ، شمس‌الدین محمد. غزل‌های حافظ، تدوین سلیم نیساری، چاپ دوم، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۱.
 ۷. خامه‌گر، محمد. اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶.
 ۸. تفسیر ساختاری قرآن کریم، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.
 ۹. شهبازی، محمود و شهبازی، اصغر. «کارکردهای زیباشناختی ایجاز حذف در قرآن کریم». دو فصلنامه کاوشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم. ۱ (۳). ۱۳۹۲، ص ۶۸-۵۵.
 ۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین. تفسیر المیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ سی و سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲.
 ۱۱. انسان از آغاز تا انجام، ترجمه و تعلیقات صادق لاریجانی، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
 ۱۲. لسانی فشارکی، محمد علی و حسن مرادی زنجانی. سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن)، چاپ سوم، قم: نصایح، ۱۳۹۸.
 ۱۳. مطهری، مرتضی. مسأله حجاب. چاپ سی و دوم، تهران: صدرا، ۱۳۶۹.
 ۱۴. معرفت، محمد هادی. تاریخ قرآن، چاپ هفتم، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
 ۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران. تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
 ۱۶. مولوی، جلال‌الدین محمد. مثنوی معنوی، چاپ سوم، تهران: هرمس و فرهنگستان، ۱۳۹۷.
 ۱۷. میر، مستنصر. ادبیات قرآن، ترجمه محمد حسن محمدی مظفر، چاپ اول، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷.

نقش حجاب بر کاهش میزان انحرافات اجتماعی - روانی زنان از منظر اسلام^۱

فرزانه اله ویردی^۲

چکیده

حجاب از مهم ترین مسائل مورد توجه ادیان توحیدی به ویژه دین مبین اسلام است و نقش بسیاری در کاهش میزان انحرافات اجتماعی - روانی دارد. مسأله بدحجابی به عنوان آسیبی اجتماعی در سطح جامعه مطرح است و اصلاح و ترمیم آن، نیازمند مهندسی فرهنگی و اتخاذ سیاست های فرهنگی و اجتماعی است. این مقاله به بررسی نقش حجاب بر کاهش انحرافات اجتماعی - روانی زنان اختصاص یافته است. برای پاسخ گویی به پرسش اصلی پژوهش، با روش تحقیق کتابخانه ای، منابع مکتوب مربوط به موضوع حجاب مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که از منظر اسلام، پوشش مناسب، آثار و پیامدهای مثبت بسیاری برای فرد و جامعه به همراه دارد. داشتن حجاب هم بر سلامت اخلاقی جامعه و هم بر پاکي و طهارت و ارتقای شخصیت زن تأثیرگذار است. حجاب، نه تنها مانع آزادی زن نیست، بلکه به او نقش دفاعی در برابر آسیب های فردی و اجتماعی می بخشد. همچنین گسترش بی حجابی و بی عفتی در جامعه موجب از هم پاشیدگی خانواده ها، رواج بی بند و باری، تنزل جایگاه زنان و به وجود آمدن بیماری های روحی و روانی در جامعه می شود. نتیجه آن که اگر خانواده ها بر حفظ حجاب اهتمام ورزند و به آن توجه کنند، میزان انحرافات اجتماعی - روانی کاهش خواهد یافت.

واژه های کلیدی: حجاب، اسلام، انحرافات اجتماعی، انحرافات روانی، زنان.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۸

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان استان زنجان، پردیس الزهراء (ع) Allahverdi1347@gmail.com